

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

111 V4C



دانشگاه قم  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

صور خیال در دیوان غالب دهلوی

استاد راهنما:

دکتر یحیی کاردگر

استاد مشاور:

دکتر علیرضا نبی‌لو

نگارنده:

محسن قویدل

تابستان ۱۳۸۷

کتابخانه اطلاعیه‌ها  
تاسیس ۱۳۸۸

۱۳۸۸ / ۲ / ۱۴

۱۱۱۷۶۳



تاریخ: ۲۴ اردیبهشت ۸۷  
شماره: ۸۱۸۱۸  
پیوست:

« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»  
جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای محسن قویدل رشته: زبان و ادبیات فارسی تحت  
عنوان: " صور خیال در دیوان غالب دهلوی " با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ  
۱۳۸۷/۶/۲۵ تشکیل گردید.  
در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۰۰... با حروف بیست و یک...  
با درجه: عالی (۱۰۰) بسیار خوب (۹۰) خوب (۸۰) قابل قبول (۷۰) دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
آقای یحیی کاردرگر	استاد راهنما	استادیار	
آقای علیرضا نبی لو	استاد مشاور	استادیار	
آقای محمد فولادی	استاد ناظر	استادیار	
آقای محمد رضا یوسفی	استاد ناظر	استادیار	
آقای علیرضا نبی لو	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	

رئیس امور آموزش و تمصیلات تکمیلی  
نام و امضاء:

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده  
نام و امضاء: دکتر علیرضا نبی لو

نشانی:  
قم، جاده قدیم اصفهان،  
دانشگاه قم  
کد پستی ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱  
تلفن ۲۹۲۳۳۱۱  
دورنویس:  
فقر ریاست ۲۹۳۵۶۸۲  
عاونت آموزشی ۲۹۳۵۶۸۴  
عاونت اداری ۲۹۳۵۶۸۶  
عاونت دانشجویی ۲۹۳۵۶۸۸

تقدیم به

روان جاوید استاد بزرگوارم

مرحوم دکتر سیامک عرب

## تشکر و قدردانی

در اینجا بر خود واجب می‌دانم که از تمامی معلمان و استادان بزرگواری که از کودکی تاکنون در سایه سار نخل دانششان، شهد بیداری و آگاهی نوشیدم و از چشمه سار محضر سرشار از مهر و برکتشان، به قدر ظرف خویش سبوی از فیض فیاضشان پُر نمودم، نهایت سپاس و قدردانی را نثار نمایم.

سپاس ویژه خود را به محضر دو استاد بزرگوار و شاگردنوازم، آقایان دکتر کاردگر که رنج و زحمت راهنمایی بنده را در تهیه و تنظیم این پایان نامه متقبل و متحمل گشتند و جناب آقای دکتر نبی‌لو که به عنوان استاد مشاور مرا یاری نمودند، تقدیم کنم. همچنین از جناب آقای دکتر مهرآوران، مدیر محترم گروه و از آقای دکتر حاجی‌مزدارانی که با وجود کسالت و ناراحتی قلبی، صبورانه مرا مورد لطف و عنایت و یاری خود قرار داد، بسیار سپاسگزارم و کلامی نمی‌یابم که شایسته بیان ارادت قلبی و سپاس مخلصانه از ایشان باشد و کاری جز دعای خیر از دست این حقیر ساخته نیست.

سرانجام از پدر و مادر عزیزم که هر چه دارم از ایشان دارم و نیز از همسر و دختر کوچکم که لحظه شمار پایان کار بودند تا دوباره حضور کامل مرا نیز در جمع خود حس کنند، متشکرم.

## چکیده

آنچه تذکره‌نویسان دربارهٔ غالب دهلوی نگاشته‌اند، دورنمایی کلی از سبک و ذهن و زبان شاعر است. در حالی که شناخت واقعی شعر هر شاعر در گرو شناخت ساختار زبانی و تصاویر شعری اوست. از این رو در این رساله به بررسی تصاویر شعری و صور خیال شعر غالب پرداخته شده است. پس از بررسی‌های گوناگون این نتیجه به دست آمده که تشبیه بیشترین سهم را در خیال‌پردازی شاعرانهٔ او دارد و پس از تشبیه به ترتیب استعاره، تشخیص، کنایه و مجاز عناصر خیال ساز شعر غالبند. خاستگاه تشبیهات غالب، جهان مادی اطراف اوست. از این رو تشبیهات حسی، سهم بیشتری دارند. نکتهٔ قابل توجه در صور خیال غالب، خلاقیت و نوآوری او در این عرصه است که علی‌رغم آشنایی و تسلط او به سنت‌های شعر فارسی، مجال ظهور و بروز یافته است.

کلید واژگان: تصویر، تشبیه، استعاره، سنت‌های ادبی

## «فهرست مندرجات»

عنوان ..... صفحه

مقدمه ..... ۱

### فصل اول: عصر غالب و حیات ادبی او

۱- عصر غالب و حیات ادبی او ..... ۵

۱-۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عصر غالب ..... ۵

۲-۱- شعر و ادب فارسی در عصر غالب ..... ۸

۳-۱- شرح احوال و آثار و سبک اشعار غالب ..... ۱۱

۴-۱- نگاهی به برخی مضامین شعری غالب ..... ۱۹

### فصل دوم: نگاهی به سبک هندی و ویژگی‌های آن

۲- نگاهی به سبک هندی و ویژگی‌های آن ..... ۲۶

۱-۲- بررسی عوامل پیدایش سبک هندی و وجه تسمیه آن ..... ۲۶

۲-۲- مختصات سبک هندی ..... ۳۰

### فصل سوم: صور خیال در اشعار غالب

۳- صور خیال در اشعار غالب ..... ۳۷

مختصری در باب صور خیال و موضوعات آن ..... ۳۷

۱-۳- تشبیه ..... ۳۷

۱-۱-۳- طرفین تشبیه ..... ۴۰

۱-۲-۳- وجه شبه ..... ۵۰

۱-۳-۳- ادات تشبیه ..... ۵۶

۱-۴-۳- تشبیه فشرده ..... ۵۷

- ۶۰.....۳-۱-۵- فهرست تشبیهات فشرده.....
- ۶۴.....۳-۱-۶- تشبیه مضمّر.....
- ۶۷.....۳-۱-۷- تشبیه مرکب.....
- ۷۱.....۳-۱-۸- تمثیل و اسلوب معادله.....
- ۸۱.....۳-۱-۹- تقلید و ابتکار در تشبیه.....
- ۸۳.....۳-۱-۱۰- تأثیر محیط و اقلیم بر تشبیه.....
- ۸۴.....۳-۱-۱۱- نتیجه‌گیری از بحث تشبیه.....
- ۸۵.....۳-۲- مجاز.....
- ۸۷.....۳-۲-۱- علاقه آلیت.....
- ۸۸.....۳-۲-۲- علاقه سببیت.....
- ۸۹.....۳-۲-۳- علاقه حالیت.....
- ۹۰.....۳-۲-۴- علاقه کلیت و جزئیت.....
- ۹۲.....۳-۲-۵- علاقه ظرفیه.....
- ۹۲.....۳-۲-۶- علاقه جنسیه.....
- ۹۳.....۳-۲-۷- علاقه ماکان و مایکون.....
- ۹۴.....۳-۲-۸- علاقه عام و خاص.....
- ۹۵.....۳-۲-۹- علاقه ملازمت.....
- ۹۷.....۳-۲-۱۰- نتیجه‌گیری از بحث مجاز.....
- ۹۷.....۳-۳- استعاره.....
- ۹۸.....۳-۳-۱- مصرّحه و فهرست آن.....
- ۱۰۲.....۳-۳-۲- مکنیه (بالکنایه) و فهرست آن.....
- ۱۰۶.....۳-۳-۳- تشخیص و فهرست آن.....
- ۱۱۶.....۳-۴- کنایه.....



۱۲۴	فهرست کنایات.....
۱۳۵	۳-۵- حس آمیزی.....
۱۳۸	۳-۵-۱- ترکیب حس شنوایی و چشایی.....
۱۳۹	۳-۵-۲- ترکیب حس بینایی و لامسه.....
۱۳۹	۳-۵-۳- ترکیب حس لامسه و شنوایی.....
۱۳۹	۳-۵-۴- ترکیب حس بینایی و شنوایی.....
۱۳۹	۳-۵-۵- ترکیب حس بینایی و چشایی.....
۱۳۹	۳-۵-۶- ترکیب یک مفهوم مجرد و غیر مادی با حس چشایی.....
۱۳۹	۳-۵-۷- ترکیب یک مفهوم مجرد و غیر مادی با حس بینایی.....
۱۴۱	۳-۶- متناقض نما یا پارادوکس.....
۱۴۶	۳-۷- نقش اغراق در صور خیال.....
۱۵۳	۳-۸- نقش ردیف در صور خیال.....
۱۵۵	۳-۹- تصاویر ایستا و پویا.....
۱۵۸	۳-۱۰- محور عمودی و افقی خیال.....
۱۶۰	۳-۱۱- جایگاه سنت‌های ادبی در صور خیال غالب.....
۱۶۶	۳-۱۱-۱- اسطوره و تلمیح.....
	<b>فصل چهارم: نتیجه‌گیری نهایی</b>
۱۷۷	۴- نتیجه‌گیری نهایی.....
۱۸۳	فهرست مطلع صد غزل منتخب از دیوان غالب دهلوی.....
۱۸۹	فهرست نمودارهای آماری.....
۱۹۵	فهرست منابع و مأخذ.....
۲۰۰	چکیده انگلیسی.....

## الف) بیان مسأله

از آنجایی که شاعران موسوم به سبک هندی دارای نگاه تازه‌ای به عناصر تصویرآفرین بوده‌اند، در این تحقیق کوشش شده است تا این جلوه‌های تازه نمایانده شود. در این خصوص، تشبیهات، استعارات و کنایات و مجازهای این شاعر به همراه عناصر دیگری از صور خیال مورد مطالعه قرار گرفته است.

عمده‌ترین سؤالات این تحقیق عبارتند از:

- ۱- میزان ابتکار شاعر تا چه حد است؟
- ۲- عناصر بیانی تازه به چه شکل در شعر او راه یافته است؟
- ۳- تشبیهات از حیث حسّی یا عقلی بودن و مباحث مربوط به آن چه وضعی دارد؟
- ۴- عمده‌ترین عناصر تصویرساز او چه عناصری هستند و به کدام عنصر بیانی گرایش بیشتری دارد؟
- ۵- نمود اقلیم در شعر او چگونه است؟
- ۶- میزان توفیق شاعر در بین دیگر شاعران این دوره تا حدّی است؟

## ب) اهداف پژوهش

هدف از انجام این پژوهش شناخت بهتر این شاعر پارسی گوی هند و تعیین جایگاه او در عرصه شعر فارسی از طریق بررسی جنبه‌های خیال آفرین و تصویرساز در غزلیات اوست. که با تحلیل عوامل تأثیرگذار بر صور خیال شاعر و نیز بررسی میزان تأثیرپذیری او از شاعران فارسی سرای ایرانی و هندی، صورت گرفته است.

## ج) اهمیت پژوهش

این پژوهش نه تنها سبب آشنایی با یکی از شاعران ادبیات فارسی برون مرزی می‌گردد بلکه با فراهم آوردن زمینه‌ی بررسی سبک شناسانه‌ی یکی از برجسته‌ترین ادوار شعر فارسی، راه را برای

تدوین تاریخ ادبیاتی جامع و تحلیلی هموار خواهد ساخت. همچنین از طریق این پژوهش می‌توان تا حدودی به تغییرات کمی و کیفی صورخیال نسبت به دوره‌های قبل، تأثیرات آن بر شعر دوره‌های بعد و نقاط ضعف و قوت و تقلید و ابتکار در شعر سبک هندی، پی برد.

#### د) فرضیات پژوهش

- ۱- اگر چه تعداد زیادی از اشعار غالب از حیث قافیه و ردیف و وزن و در مجموع شکل ظاهری، مقلدانه است اما از حیث تصویرسازی، بسیار مبتکرانه می‌باشد.
- ۲- تازگی به صورت تشبیه و سایر عناصر بیان در شعر او نمود چشمگیری دارد.
- ۳- عمده گرایش او به تشبیهات حسی است.
- ۴- عناصر مادی در پیدایی تصاویر شعری او نقش عمده‌ای دارد و با توجه به این که شاعر زبان فارسی را به کمک دیوان شاعران پارسی آموخته است، از حیث تصویرسازی در آغاز راه است. بنابراین تشبیه نسبت به استعاره در شعر او بسامد بالاتری دارد.
- ۵- به غیر از حالت عامی که همه شاعران سبک هندی به آن دچارند، نمود اقلیم در شعر این شاعر چندان چشمگیر نیست.
- ۶- غالب از حیث ساخت ترکیبات تازه و زیبا و نیز از جهت خلق تصاویر جدید از چهره‌های مطرح سبک هندی است.

#### ه) پیشینه تحقیق

در زمینه شعر غالب بویژه صور خیال او تا آنجا که ما آگاهی داریم، کتاب یا پایان نامه‌ای وجود ندارد و از میان تألیفات نویسندگان معاصر ایرانی، می‌توان به کتاب میخانه آرزو از محمد حسن حائری اشاره کرد که آن هم تنها به شرح احوال و بررسی آثار غالب پرداخته و گزیده‌ای از اشعار او را آورده است و به جایگاه و کیفیت صورخیال در شعر غالب، نپرداخته است. به جز این اثر

اگر چه مقاله‌های فراوانی دربارهٔ غالب و شعر او نوشته شده است ولی هیچ کدام به طور اختصاصی به این موضوع نپرداخته‌اند.

## (و) روش تحقیق

پیش از شروع پژوهش از آنجا که به این موضوع علاقه داشتیم به مطالعه چندین کتب بلاغی و نیز کتاب ارزشمند صورخیال در شعر فارسی و کتابهای مناسب دیگر پرداختیم و ضمن مطالعهٔ کامل کتاب میخانهٔ آرزو، از میان دو دیوان اشعار، یکی به تصحیح محسن کیانی و دیگر به تصحیح محمدحسن حائری، دیوان غالب دهلوی مشتمل بر غزلیات و رباعیات با مقدمه و تصحیح محمدحسن حائری را به دلیل کارهای جنبی بیشتر در کنار تصحیح غزلیات و آوردن نسخه بدلها و ... انتخاب نمودم و در همان دیوان به بررسی و یافتن و درج عناصر مختلف صورخیال در تمامی غزلهای غالب پرداختیم. سپس با آشنا شدن به غزلهای او صد غزل از سیصد و سی و چهار غزل (حدوداً یک سوم) را که از هر نظر می‌توانست نمایندهٔ غزلهای غالب و دربردارندهٔ مختصات اساسی سبک شعر او باشد، انتخاب کردم. از آنجا که بهترین و بیشترین غزلهای غالب در ردیف‌های «الف»، «ت»، «د»، «م»، «ن»، و «ی» سروده شده‌اند، به نسبت تعداد هر یک، غزلهای بیشتری از این ردیف‌ها برگزیدم و از دیگر حروف نیز غزل یا غزلهایی انتخاب کردم تا از تمامی حروف حتی حروفی که تنها یک یا دو غزل در دیوان غالب بود انتخابی صورت گرفته باشد که فهرست مطلع صد غزل منتخب را در پایان رساله آورده‌ام.

سپس به فیش‌برداری عناصر صورخیال از صد غزل منتخب با درج شمارهٔ صفحه و بیت در هر فیش پرداختیم و ضمن تدوین مطالب مقدماتی در هر بخش به کمک یادداشتهایی که از کتابهای دیگر تهیه کرده بودم، به دسته‌بندی فیشها و بسامدگیری و طبقه‌بندی مطالب پرداختیم و کار تدوین این رساله را آغاز نمودم و به شکل و ترتیبی که در فهرست مندرجات این رساله قابل ملاحظه است، به ارائهٔ مطالب پرداختیم.

## فصل اول

### عصر غالب و حیات ادبی او

## ۱- عصر غالب و حیات ادبی او

### ۱-۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عصر غالب<sup>۱</sup>

حملة مجاهدان اسلام از طرف کوههای هندوکش و شمال غربی هند موجب گسترش اسلام در هندوستان و برقراری حکومت اسلامی در بخشهایی از این سرزمین گشت. سلطان محمود غزنوی با حمله‌های پیاپی خویش به هند و غارت تحفه‌های گرانبهای معابد آن، توانست خاندان راجپوت را ضعیف و ناتوان سازد. دشمنی و ستیز این خاندان با مهاراجه‌ها موجبات ضعف و زبونی بیش از پیش آنان را فراهم کرده بود و چون نوبت به سلطان شهاب‌الدین محمد غوری رسید از این موقعیت‌ها بهره گرفت و به شمال هندوستان حمله‌ور شد و آخرین سلطان آن سامان را که پرتوی راج نام داشت و در دهلی سلطنت می‌کرد مغلوب خویش کرد و دامنه پادشاهی خویش را تا قنوج وسعت بخشید.

قطب‌الدین ایبک سردار ترک نژادی بود که در رکاب شاه غور به مهاراجه‌های راجپوت حمله آورده بود. وی، پس از مرگ شهاب‌الدین محمد غوری بر تخت پادشاهی آن دیار تکیه زد و اولین سلسله سلاطین مسلمان هند را تأسیس کرد (۱۲۰۶ میلادی). سلسله پادشاهی وی مدت هشتاد و چهار سال در شمال هند حکومت کرد و این همان سلسله‌ای است که آن را سلاطین ممالیک (غلامان) می‌نامیدند.

غیاث‌الدین بلبن یکی از پادشاهان مقتدر و کشورگشای سلاطین ممالیک است که دامنه تصرفات وی تا بنگال رسیده بود و دربار وی پناهگاه امرای مسلمانی بود که به سبب حمله چنگیز از ایران و ماوراءالنهر گریخته بودند. وی همان پادشاهی است که امیر خسرو دهلوی به مدح او زبان گشوده است.

بعد از سلاطین ممالیک به ترتیب خاندانهای خلجیه، تغلقیه، سادات ولودیه در هند به حکومت رسیدند (از ۱۲۹۰ تا ۱۵۲۶ میلادی). زمان حکمرانی ممالیک و خلجیان مصادف با چیرگی

<sup>۱</sup>- در نگارش این بخش کتاب میخانه آرزو اثر محمدحسن حائری، مورد نظر بوده است.

مغول بر ایران بود. از مهمترین سلاطین تغلقیه می‌توان فیروز شاه را نام برد که در دهلی حکومت می‌کرد و دامنهٔ سلطنت وی تمام هندوستان به استثنای بنگال را در برمی‌گرفت.

از وقایع مهم دیار هند حملهٔ تاتار تحت رایت امیر تیمور به شمال این کشور در اواخر قرن چهاردهم میلادی بود. وی تا دهلی تاخت و آن شهر را غارت کرد و به موطن خویش بازگشت. ولی یکصد سال پس از این واقعه، نبیرهٔ وی که ظهیرالدین بابر نام داشت با لشکری از ترک و تاتار و افغان به هندوستان حمله آورد و ابراهیم لودی، آخرین پادشاه طایفهٔ لودیه را که در دهلی سلطنت می‌کرد مغلوب ساخت و خود بر تخت پادشاهی شمال هندوستان تکیه زد (۱۵۲۶ میلادی).

اعقاب ظهیرالدین بابر مدت سیصد و پنجاه سال بر هندوستان حکم راندند و به تیموریان هند یا بابریه یا گورکانیه معروف گشتند. اکبر بن همایون، نبیرهٔ ظهیرالدین بابر، از دیگر پادشاهان این سلسله است که به کشورگشایی شهره بود. قلمرو حکومت وی از شهر قندهار در مغرب تا شهر داکا در مشرق و از سرینگر در شمال تا احمدآباد در جنوب امتداد داشت. او پادشاهی با تدبیر و سلحشور بود و شاعران و ادیبان بسیاری را به خویش خوانده بود. وی علاوه بر مسلمانان از بین هندوان نیز رجالی را برمی‌کشید و به وزارت می‌نشانده و به خدمت می‌گماشت.

در زمان اکبر شاه، فقیهان فرّقی اسلامی و نیز عالمان هند و مسیحی و زردشتی آزادانه در محافل و مجالس به مباحثه و مناظره می‌پرداختند. وی جزیه را از هندوان برگرفت و با این سیاست، محبوبیتی بسیار کسب کرد. اعقاب او جهانگیر شاه، شاهجهان و اورنگ زیب همه از سلاطین با شوکت و اقتداری بودند که هر یک به نوبت خویش دوران پادشاهی خود را با جلال و شکوه سپری ساختند.

هنگامی که مسلمانان در شمال هندوستان به کشورستانی و جهانگیری مشغول بودند سلسله‌های سلاطین هندو در جنوب این کشور از اقتداری نسبی برخوردار بودند و برخی از این سلسله‌ها تا حدود سواحل برمه و بسیاری از جزایر اقیانوس هند را در تصرف داشتند.

در اوایل قرن چهاردهم خلیجیه و تغلقیه بر قسمت‌های جنوبی هند حمله آوردند و به ایجاد حکومت‌های جدید اسلامی همت گماشتند. بالاخره بنگال تحت تسلط سلاطین دهلی درآمد و

پادشاهان آن دیار گرچه استقلالی داشتند تابع پادشاهان دهلی گشتند. تا اینکه در اواسط قرن چهاردهم میلادی یعنی در زمان سلطنت محمدبن تغلق به کلی پرچم استقلال برافراشته و سلطنتی مستقل ایجاد کردند. از این میان سکندر شاه بانی مسجد آدینه پاندوا و سلطان غیاث‌الدین، ممدوح حافظ صاحب شهرت و اقتدار گشتند. در اواخر همین عهد شخصی از طرف سلاطین تغلقیه ملقب به ملک‌الشرق در شهر جونپور رایت اقتدار برافراشت و چون سلاطین تغلقیه دهلی در نتیجه حمله تیمور ضعیف و ناتوان شده بودند خانواده وی با نام سلاطین شرقیه امارتی مستقل در جونپور ایجاد کردند. از آن میان ابراهیم شاه شرقی سلطنتی طولانی و عزت و جلالی کم نظیر داشت. در این روزگار پایه‌های زبان و ادب فارسی و ادب عربی در جونپور استوارتر گشت و موسیقی و شعر به اوج قدرت و ترقی رسید تا جایی که شهر جونپور به شیراز هند معروف گشت. در گجرات نیز خانواده سلاطین دیگری از مسلمانان با استقلال فرمانروایی می‌کردند و آخرین آنها مظفر شاه بود که از لشکر اکبر شاه شکست خورد و سلطنت شاهان گجرات خاتمه یافت (۱۵۷۲ میلادی).

از اواسط قرن چهاردهم میلادی در دکن حکومت خانواده‌هایی از سلاطین مسلمان تأسیس شد که از همه مهمتر سلسله‌های بهمنی و نظام شاهی و برید شاهی و عادل شاهی بودند که به تناوب تا آخر قرن هفدهم در ناحیه دکن سلطنت می‌کردند. آخرین آنها سلسله قطب شاهی در گولکنده است که در سال ۱۶۸۷ میلادی به دست اورنگ زیب عالمگیر، منقرض شد و هنوز آثار قصور و قلاع ایشان در شهر حیدرآباد دکن موجود است.

اورنگ زیب پادشاهی سلحشور و با شوکت و جلال بود و در عین حال بسیار سخت‌گیر و خرده‌بین. بالاخره رفتار و اندیشه‌های وی موجب متزلزل شدن پایه‌های حکومت بابریه در هند گشت. او پادشاهی بود که رسم جزیه را بر هندوان مقرر داشت و بسیاری از معابد آنان را ویران ساخت و گروهی از برهمنان هند و حتی برخی از اندیشمندان صوفیه را به قتل رسانید. این سیاست و شیوه تفکر موجب شد که عده‌ای سر به طغیان بردارند و ادعای امارتهایی مستقل بنمایند و پرچم پادشاهی هندوی را در برابر سلطنت اسلامی دهلی برافرازند. این آشفتگی‌ها موجب شد که



در زمان اورنگ زیب اوضاع سلطنت دگرگون شود؛ پادشاهان، مردمی ضعیف و بی‌نوا و وزرا، افرادی عیاش و بی‌لیاقت باشند؛ فقر و فلاکت و قحطی بیداد کند؛ ادبیات، هنر و فرهنگ راه انحطاط پیماید و هرج و مرج آنچنان سراسر مملکت را فرا گیرد که در اوایل قرن نوزدهم میلادی انگلیسی‌ها آن سرزمین را به آسانی از آن خویش سازند.

پایه حکومت انگلیس را در هند افسری به نام رابرت کلایو نهاد و اولین حکمران انگلیسی آن دیار شخصی به نام وارن هیستنگس بود. از سال ۱۸۶۲ تا سال ۱۹۴۷ میلادی نوزده نایب‌السلطنه بر هند حکم راندند و نارضایتی‌هایی از خویش به جای نهادند. نهضت گاندی و تلاش نهرو و قیام محمدعلی جناح (قائد اعظم) موجب ناکامی حکومت انگلیس شد و اولین حکومت ملی این کشور در دوم سپتامبر ۱۹۴۶ میلادی در دهلی تشکیل شد. پس از آن، نظریه تأسیس پاکستان عرضه شد و بالاخره در چهاردهم ژوئیه سال ۱۹۴۷ میلادی طرح قانونی استقلال هند و پاکستان به تصویب پارلمان انگلیس رسید و روز پانزدهم ژوئیه روز استقلال این دو کشور اعلام شد.

## ۱-۲- شعر و ادب فارسی در عصر غالب

با آمدن دانشمندان و صوفیان به هند و بسط و گسترش فرهنگ خراسانی در آن دیار و نفوذ تمدن ایرانی در آن سامان، لاهور مرکزیت ادبی و علمی یافت و محل تلاقی فرهنگ اسلامی و خراسانی گشت و این شهر را غزنین خرد نامیدند. در هندوستان فرهنگ اسلامی و خراسانی تا بدان پایه مورد توجه واقع شد که مدرسه‌ای را به نام خانقاه عمید در لاهور گشودند تا در آن تمدن و دانش ایرانی آموزش داده شود. ادیبان و شاعران دیار هند، لاهور را جایگاه پرورش خویش می‌دیدند و همواره بدان سامان کوچ می‌کردند.

آنگاه که شعر فارسی در دوره غزنویان به پایگاهی از ترقی و کمال دست یافت، از غزنه به هند آورده شد. ابوالفرج رونی و مسعود سعد سلمان - که نزد امیران غزنوی و غوری پرورده شده بودند - از نخستین هنرمندانی بودند که این کاروان حله را ساروانی می‌کردند.

گسترش فرهنگ خراسانی در هند شاعران شیرین سخنی را به میدان سخنوری کشانید که از آن میان می‌توان به شهاب‌الدین مهمده، فضل‌الملتانی و تاج‌الدین ریزه (سنگریزه) دهلوی و دهها شاعر هندی دیگر اشاره کرد. پرتو افشانی فرهنگ خراسانی بر هند موجب شد که پادشاهان دهلی در شاعرپروری و ادب دوستی گوی سبقت از پیشینیان ربودند و نهال ادب فارسی را آبیاری کردند و پروردند و درختان تنومندی چون امیرخسرو دهلوی و حسن دهلوی به بار نشانند. امیرخسرو مداح سلاطین دهلی و تربیت یافته خواجه نظام‌الدین اولیا بود و حسن دهلوی معاصر و دوست امیرخسرو بود که در خدمت خواجه نظام‌الدین اولیا عمر سپری کرد.

شعر فارسی در هند تا چهار قرن بر سنت شاعران ایرانی بود و سخنوران هند در تعبیر و تخیل و آداب شاعری گامی از سنت خراسان فراتر نمی‌نهادند. ولی مناظر و آب و هوای آن سرزمین موجب شد که الفاظ هندی در شعر پارسی گویان آن دیار اثر گذارد. اما تغییر دیگری در شیوه شاعری این دیار پیش نیامد. این روش تا قرن دهم هجری ادامه داشت.

از قرن دهم به بعد شعر فارسی روشی تازه و طرزی نو یافت و این همان شیوه‌ای بود که بعدها به سبک هندی شهره گشت. سخنورانی چون فیضی، صائب، عرفی، کلیم، نظیری و غالب در هند و ایران به این روش شاعری کردند و آن را طرز نو نامیدند.

سبک هندی دارای مشخصاتی است که از نظر لفظ و معنی جامع سنن قدیم ادبی و خصوصیات نوین است. در این سبک، پیچیدگی و ابهام و شدت رعایت تلازم کلمات و معانی، مدار اساسی سخن محسوب می‌شود. این شیوه، آمیخته با تشبیهات و استعاره‌های بسیاری است. این سبک زمانی به افراط گام نهاد که شاعرانی چون میرزا عبدالقادر بیدل و ناصر علی سرهندی کاروان‌سالار سخن گشتند و روش شاعری آنان مورد مخالفت پیروان و حامیان نوامیس کهن زبان فارسی گردید.

بیدل از راهیان پرتوان سبک هندی است که با ذخیره وسیع تصوف هندی، آمیخته با فرهنگ خراسانی، مضامین باریک عرفانی و اندیشه‌های جهان برین را با خیال‌پردازی‌ها و

موشکافی‌های هنری سازگاری بخشید و این شیوه را رنگی تازه داد و موجب شد که راهی تازه و آبخوری نو در تعبیر سازی ایجاد شود و آنچه قدما نساخته و نپرداخته بودند بسازد و پردازد. سبک هندی به انواع کلام و به ویژه غزل تأثیر بخشید و دامن شعر فارسی را به گوهرهای ناسفته آراست و بسیاری از تجلیات فکری را در غزل جای داد و در دیار هند زمینه را برای پرورش و گسترش غزل اردو مهیا ساخت. این سبک موجب تغییر در معیار فصاحت گشت. بی‌شبهه گروهی که طرز تازه را مورد نکوهش قرار می‌دهند پذیرشگر تغییر در معیار فصاحت نبوده، فصاحت را تنها در پارسی سرایان کهن یافته‌اند.

حق این است که سبک هندی مکتب نکته پرداززی و نازک خیالی است و با اوج این روش، صفای اندیشه و جلای لفظی فزونی یافته است. یکی از شاعرانی که در خیال‌بندی و نکته‌بافی، قدرتی غیرقابل تصور از خویش نشان داده است، میرزا جلال اسپر شهرستانی است که شاید بتوان او را بانی بنیاد خیال‌بندی دانست.

در اواخر قرن دوازدهم هجری در ایران حرکتی ادبی و هنری روی داد و آن بازگشت ادبی بود. شاعرانی چون مشتاق اصفهانی، عاشق اصفهانی، آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی، فروغی بسطامی، نشاط اصفهانی و فتحعلی خان صبای کاشانی تقلید و پیروی از سبک هندی را بدرود گفتند و به سنت‌های ادبی پیش از عهد صفویه بازگشت نمودند و به تقلید از سبک عراقی و خراسانی پرداختند. انجام این حرکت به دوره مشروطیت و پیدایش نوگرایان و تازه سرایانی دیگر چون عارف قزوینی، ایرج میرزا، پروین اعتصامی، ملک‌الشعراى بهار و دهخدا رسید.

این بازگشت ادبی در دیار هند هم دیده شد و شاعران شیرین بیان و ساده نوائی چون واقف لاهوری، محمدعلی حزین، قمرالدین منت، میرزا مظهر جان جانان، سراج‌الدین آرزو، درد، میر، قتیل، انشاء، مؤمن و شیفته کوشیدند که از پیچ و خم ابهام‌انگیز سبک هندی، خویش را برکشند و به سنت‌های ادبی پیشین و ساده‌گوئی شاعرانی چون امیرخسرو و عراقی و سنائی گرایش یابند. ولی این بازگشت در هند نمی‌توانست گسیختگی تام با سبک هندی داشته باشد و چه بسیار شاعرانی که نتوانستند سبک هندی را بدرود گویند و بر این راه و روش ماندند. برخی از شاعران در عین

توجه به این رویداد ادبی از سبک محیط خویش نگسستند و سرآمد این سخنوران میرزا اسدالله خان غالب دهلوی است.<sup>۱</sup>

### ۳-۱- شرح احوال و آثار و سبک اشعار غالب

#### تولد و کودکی

میرزا اسدالله غالب معروف به میرزا نوشه، ملقب به نجم‌الدوله دبیرالملک و نظام جنگ بهادر و متخلص به غالب در شعر فارسی و اسد در شعر اردو، شب هشتم ماه رجب ۱۲۱۲ هجری قمری (۲۷ دسامبر ۱۷۹۷ م) در شهر «آگره» دیده به جهان گشود که ماده تاریخ زیر که خود برای روز تولدش سروده بهترین سند در صدق تاریخ تولد او می‌باشد.

«غالب چو ز ناسازی فرجام نصیب هم خوف عدو دارم و هم ذوق حبیب  
تاریخ ولادت من از عالم قدس هم «شورش شوق» آمد و هم لفظ «غریب»  
«شورق شوق» به حساب ابجد ۱۲۱۲ و «غریب» نیز همین تاریخ را نشانگر است.»<sup>۲</sup>

نام پدر بزرگ غالب، میرزا قوقان بیگ بود که در جوانی از سمرقند به هندوستان آمده بود و مدتی در لاهور و سپس در دهلی اقامت گزید. او در دهلی صاحب دو پسر شد، یکی عبدالله بیگ خان پدر غالب و دیگری نصرالله بیگ خان عموی غالب. بعدها عبدالله بیگ خان در آگره با عزت النساء دختر غلامحسین خان کمیدان ازدواج کرد و صاحب فرزندی شد و او را اسدالله نام نهاد.

«پدر میرزا در لکهنو و حیدرآباد دکن مشغول به کار دولتی شد و از آن پس به الور رفت و در سپاه شیود هیان شنگر به خدمت سرگرم شد، سپس در شورش که در راجره روی داد کشته شد. اسدالله در این هنگام پنج ساله بود. از آن پس سرپرستی وی را عمویش میرزا نصرالله بیگ بر عهده گرفت.... نصرالله بیگ، پس از آنکه چهار سال سرپرستی اسدالله را بر عهده داشت، به دست کارگزاران انگلیسی کشته شد. پس از درگذشت وی انگلیسی‌ها مقرری ماهیانه‌ای معادل پنجاه

<sup>۱</sup>- میخانه آرزو، صص ۱۰-۷.

<sup>۲</sup>- میخانه آرزو، ص ۱۰.